

چهار روزنامه‌ها

در های بسته؛ پنجره های باز

روزنامه کیهان در یادداشتی با بیان اینکه همه پدرها و مادرها در یک شرایط عادی و کاملاً قابل انتظار، تمام تلاش خود را می کنند فرزندان شان در معرض کوچک ترین مسئله آسیبزا و هر آنچه مخل تربیت، آرامش و پیشرفت آنهاست قرار نگیرند، نوشت: این مراقبت‌ها و حساسیت‌های دلسوزانه و مسئولانه بسته به سن و مقاطع مختلف رشد و شکل‌گیری شخصیت فرزندان، حالت‌ها و شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد. یک پدر و مادر دلسوز هرگز اجازه نمی‌دهند فرزندان شان بیننده و شنونده محتواهای نامناسب و غیراخلاقی و مخرب بر قالب فیلم و سریال و حتی انیمیشن، موسیقی و... باشند و سعی می‌کنند بهترین، مناسب‌ترین و سالم‌ترین آنها را در اختیار فرزندان شان بگذارند. رفتار پدر و مادرهایی که به رغم همه حساسیت‌ها و مراقبت‌ها از فرزندان شان در فضای حقیقی، از آسیب‌های حضور بی‌ضابطه و کنترل نشده فرزندان کم سن و سال شان در فضای مجازی غافل هستند یا حساسیت کمتری به آن نشان می‌دهند، مانند آن است که برای حفاظت از خانه و جلوگیری از ورود سارقان یا جانوران خطرناک با دقت و ایمنی بالا درهای ورودی را ببندیم اما در عین حال پنجره‌های قابل دسترس را باز بگذاریم. این‌پسندۀ اضافه کرده است: فراموش نکنیم که موضوع آسیب‌های حضور زودتر از موعد و بی‌ضابطه کودکان و نوجوانان در فضای مجازی، یک نگرانی جهانی است و امروزه حتی در کشورهای غربی نسبت به بی‌توجهی به آن هشدار داده می‌شود و همچنین قوانینی سخت و سخت برای جلوگیری از این آسیب‌ها در نظر می‌گیرند، مانیز به عنوان پدر و مادرهایی که نسبت به آینده فرزندان و سرمایه‌های واقعی این سرزمین مسئولیت داریم، باید با توجه به هشدارهای کارشناسی، رعایت اصول تربیتی مرتبط با استفاده فرزندان از این فضا، از جمله سن مناسب، ضوابط استفاده و... را مورد توجه قرار دهیم.

سهم سنوار در انتخاب ممدانی

روزنامه همشهری در یادداشتی نوشت: انتخاب «زهران ممدانی» به‌عنوان شهردار نیویورک انتخاب یک فرد صرفاً مسلمان نیست، انتخاب یک سیاستمدار صریحاً ضدصهیونیسم در شهری است که قلب نمادین قدرت امریکاست. در حوزه رسانه، نیویورک خانه نیویورک تایمز، بلومبرگ، NBC و ده‌ها قطب تولید دستور کار رسانه‌ای است. روایت ملی در امریکایقلب از این شهر آغاز می‌شود. علاوه بر این، نیویورک محل استقرار سازمان ملل و نمایندگی بخش عمده کشورهاست؛ نقطه اتصال سیاست خارجی و منافع جهانی. اما مهم‌تر از همه، نیویورک بزرگ‌ترین جامعه یهودیان خارج از اسرائیل را در خود جای داده است؛ حدود ۲ میلیون نفر. این شهر تاریخی‌ترین پایگاه لابی‌های صهیونیستی در جهان بوده است. بنابراین انتخاب یک سیاستمدار منتقد آشکار اسرائیل در چنین نقطه‌ای، خدای معمولی یا محلی نیست؛ نشانه تغییر جهت در ذهن و وجدان بخش مهمی از جامعه امریکاست. این تغییر از حوزه دیپلماسی به حوزه اخلاق عمومی رسیده است. خلاصه اینکه ردیابی سنوار و پایشان را تا قالب استکبار ببینید. انتخاب ممدانی نتیجه یک بیداری است. فلسطین از یک پرزده متکی به لابی قدرت سیاسی به معیار اخلاقی و زندگی جامعه امریکا تبدیل شده و این یعنی هژمونی صهیونیسم در مرکز نمادین قدرت امریکا ترک برداشته است.

مقابله ایران با ذات سلطه گر امریکا

روزنامه جام‌جم در یادداشتی نوشت: همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند ذات امریکایی‌ها سلطه‌گری علیه ملت ایران است. اتفاقات سال ۱۳۴۲ و ضدیت امریکا با ایران را از آن زمان تاکنون فراموش نمی‌کنیم، بعضی‌ها می‌گویند دشمنی امریکا به‌دلیل تسخیر لانه جاسوسی بوده و این درحالی است که در مقطع اتفاقات سال ۱۳۴۲ که هنوز تسخیر لانه جاسوسی رخ نداده بود، واقعاً چقدر این عده در فهم و تحلیل دچار اشتباهند. چرا این افراد درست نگاه نمی‌کنند؟ کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را چه کسی جز امریکایی‌ها رقم زد؟ چرا با وجود تمایل مصدق به امریکا، باز هم در ایران رژیم دیکتاتوری را تحمیل کردند؟ آیا آن زمان نیز لانه جاسوسی تسخیر شده بود؟ همین‌طور اتفاقاتی که در جریان سفر رئیس‌جمهور اسبق امریکا، در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ رخ داد و سه دانشجو کشته شدند تا به رئیس‌خود هدیه بدهند. این نشان می‌دهد که دشمنی امریکا با ما ذاتی است. آنها باصل جمهوری اسلامی و با اینکه مردم خود تصمیم بگیرند، مخالفتن. مصدق در جمهوری اسلامی نبود اما دیدید با او چه کردند، یعنی امریکایی‌ها اساساً با تصمیم‌گیری مردم ایران مخالفتند. حالا هم با جمهوری اسلامی به همان دلیل دشمن هستند، چون می‌گویند چرا از ما اجازه نمی‌گیرد. حرف آنها این است همان‌طور که برخی رژیم‌ها هنگام سفر رئیس‌جمهور امریکا، ده‌ها میلیارد دلار به او هدیه می‌دهند، شما هم مانند آنها باشید تا ما هم به شما توهین کنیم و هم جیب شما را بزنیم، اما ملت ایران امروز مستقل است؛ اجازه نمی‌دهد دیگران برای او تصمیم بگیرند. مخالفت امریکا با استقلال ایران است، نه با مسائل دیگر. آنها هدف‌شان این بوده و است که ما خود نیندیشیم، خود انتخاب نکنیم، مستقل نباشیم، شعار «استقلال و آزادی» را کنار بگذاریم و در نهایت آنها برای مان تصمیم بگیرند و هر تصمیم دیگری را ما اجرا کنیم، اما ملت ایران با نوکری مخالف است، ملت ایران با وابستگی مخالف است.

وارونه‌نویسی تاریخ!

روزنامه رسالت در یادداشتی نوشت: وارونه‌نویسی تاریخ عنوان بحث مهمی است که امام‌خامنه‌ای در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان به مناسبت ۲۱آبان مطرح فرمودند. وارونه‌نویسی تاریخ یعنی دستکاری در حافظه تاریخ‌های ملت برای جابه‌جایی جایگاه جلا و شهیدآ و وارونه‌نویسی تاریخ یعنی تحریف، دروغ‌نویسی و پاک‌داشتن روی مستندات و اخبار متقن تاریخی! وارونه‌نویسی تاریخ، بخشی از جنگ نرم و جنگ شناختی است. کسانی که معتقدند شعار «مرگ بر امریکا» یا «سختگیر لانه جاسوسی» علت دشمنی امریکا با ملت ایران است یا جاهل هستند یا غافل. کودتای ۲۸ مرداد، غارت منابع نفتی ایران در دوران پس از کودتا، کاپیتولاسیون، کشتار مردم ایران در جریان قیام ۱۵خرداد و کشتار قیام مردم در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و شکنجه آزادی‌خواهان علت اصلی تنفر ملت ایران از امریکاست. رانداختن جنگ داخلی، جنگ خارجی و کودتاهای بی‌دری پس از انقلاب نشانه خصومت بی‌پایان امریکا علیه ملت ایران است.

نویسنده اضافه کرده است: غصب سرزمین مردم مظلوم فلسطین و کشتار و زلیم‌کنشی بیش از نیم قرن توسط صهیونیست‌ها و حمایت امریکایی‌ها از تروریست‌های اشغالگر علت ان‌زار ملت ایران از امریکاست. کسانی که این حقایق تاریخی را انکار می‌کنند و می‌خواهند ذهن مردم را سوزن‌بار کنند، مشغول تاریخ‌نویسی وارونه هستند. رسالت همچنین نوشته است: امام‌خامنه‌ای هم در دیدار ۱۳آبان ۱۳۸۱ اسمال در پاسخ به پیش شرط‌های امریکا برای گفت‌وگو و پیغام و پیغام‌های ترامپ فرمودند: اختلافات جمهوری اسلامی و امریکا ذاتی است، تاکنیکی نیست. اختلافات موقعی حل می‌شود که امریکا دست از حمایت زلیم ملعون صهیونیستی بردارد. یا پایگاه‌های خود را در منطقه جمع کند. در امور داخلی مداخلات نکند. طبیعی است نه امریکایی‌ها از شروط خود عقب‌نشیننی می‌کنند نه ملت ما از ارمان‌های انقلاب به‌ویژه از استقلال و آزادی خود چشم‌پوشی می‌کنند.



تأهیل

فائزه سادات یوسفی

| روزنامه جوان | شماره ۷۴۴۵ | شنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۴ | ۱۷ جمادی‌اول ۱۴۴۷ |

سرویس سیاسی، ۸۸۵۲۳۰۰۰

اکنون زمان اتحاد است، منطقه تاب تفرقه را ندارد



بود، از این رو برای مقابله با تهدید بزرگ و ملموس رژیم‌صهیونیستی و همچنین امریکا، کشورهای منطقه باید به سمت هم‌افزایی و تشکیل بلوک‌های ضدصهیونیستی متمایل شوند.

مواضع آشکار و صریح پاکستان در مخالفت با سیاست‌های رژیم‌صهیونیستی و حمایت عیان آن از ایران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، سرمنشأ پیدایش اتحادهای ضدصهیونیستی خواهد بود، از این رو دستگاه دیپلماسی کشور می‌تواند با بهره‌گیری از فضای جدید ایجادشده در روابط میان کشورهای غربی و رژیم‌صهیونیستی پس از تجاوز به قطر، به گسترش و تقویت این بلوک سیاسی- منطقه‌ای امیدوار باشد.

در صورت برنامه‌ریزی دقیق و استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌های مردمی موجود، این روند می‌تواند به شکل‌گیری ائتلافی پایدار در حمایت از منافع مشترک جهان اسلام و مقابله با سیاست‌های تفرقه‌افکنانه قدرت‌های بیگانه منجر شود.

■ «ملت‌ها جایگزین دولتمردان جانیات رژیم‌صهیونیستی در غزه، با عکس‌العمل شدید از سوی مردم منطقه روپرو و شد؛ موضوعی که به شکاف دیرین بین افکار عمومی و برخی دولتمردان در قبال

تفرقه و نبود روابط مسالمت‌آمیز میان کشورهای مسلمان، زمینه‌ساز تنش‌های درون منطقه‌ای و نفوذ باز یگران فرامصلح‌های در منطقه و پیرامون است. در مقابل، اتحاد و همگرایی میان کشورهای اسلامی می‌تواند به کاهش تنش‌ها، گسترش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی، مقابله مؤثر با تهدیدات مشترک و ارتقای جایگاه کشورهای اسلامی در سطح جهانی منجر شود، از این رو بازتعریف روابط میان کشورهای اسلامی بر پایه همکاری راهبردی و درک مشترک از منافع و تهدیدات، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ ثبات و امنیت منطقه محسوب می‌شود. در شرایطی که در منطقه امریکا و رژیم‌صهیونیستی در پی ایجاد تنش، اختلاف و توسعه زمینه هستند، تنها عاملی که می‌تواند امنیت مردم را تضمین کند، اتحاد میان کشورهای اسلامی و گسترش روابط همه‌جانبه و امنیتی میان آنان است.

■ بدون «اتحاد» منطقه فرو می‌پاشد شرایط متشنج در منطقه و دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای مانند امریکا و برخی کشورهای اروپایی، اوضاع را عمداً به سمت تشکیک اتحادهای مخالف و متعارض با محوریت ارتباط با رژیم پیشی می‌برد. در حالی که

رئیس سازمان بسیج مستضعفین:

ایران ضعیف، مطالبه و مطلوب امریکایی‌هاست

اینکه حاکمیت مردمی امروز در ایران، دست مستکبران را از دست‌اندازی به کشور و دشمنی با مردم کوتاه کرده است، گفت: جمهوری اسلامی ایران، یک نظام امت امامت است که برای صیانت از ملت ایران، روی کار آمد.

وی تصریح کرد: ۴۶ سال پیش، نظام جمهوری اسلامی ایران روی کار نیامده بود، یقیناً امروز نقشه و جغرافیای ایران، به شکل امروزی نبود و مستکبران به سرکردگی امریکایی‌ها، کشورمان را تجزیه کرده بودند. سردار سلیمانی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: بسیج، تشکیلات انقلاب اسلامی است و مرکز تولید قدرت برای نظام، مردم و رهبر معظم انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. وی با بیان اینکه امروز، قدرت واقعی یک ملت، به قدرت نرم آن ملت و باورها و ارزش‌هایش متکی است، اظهار کرد: دشمن امروز تمام تلاش خود را می‌کند که جوانان ایران، امریکایی ببیندیشند و امریکایی عمل کنند. در چنین شرایطی، پیاده‌سازی دقیق و کامل سند اعتلای بسیج، یک موضوع اساسی و راهبردی برای کشور و مردم است و یکی از مبین برسانه‌ترین کارها و ارزشمندترین مجاهدت‌ها محسوب می‌شود.

■ **امروز مکلفیم واقعیات تلخ گذشته را به نسل‌های منتقل کنیم**

رئیس سازمان بسیج مستضعفین افزود: آگاهی‌بخشی، تبلیغ، تبیین و برگزاری اردوهای راهیان پیشرفت، نقشی اساسی و راهبردی در بیش‌تر صحنه مردم‌نست به وضعیت کنونی کشور و درک شرایط واقعی

ایران در گذشته دارد. سردار سلیمانی گفت، ما امروز مکلفیم با جهاد تبیین، واقعیت‌های تلخ گذشته بر سرزمین ایران و وضعیت مقتدرانه امروز را برای جوانان و نسل جدید بازگو کنیم و از این رهگذر، به مقابله با جنگ نرم همه‌جانبه دشمن برخیزیم. وی با بیان اینکه ما زمانی می‌توانیم ایران قوی را در تمامی ابعاد و عرصه‌ها تحقق ببخشیم که تمام جنبه‌های مردم‌سالاری اسلامی را در کشور پیاده‌سازی کنیم، گفت: معاونان و مدیران بارز بشی سپاه‌های استانی و نواحی مقاومت بسیج در شهرستان‌ها، باید بر اجرای تمامی مفاد سند اعتلای بسیج، نظارت دقیق داشته باشند.

حجیر

فرمانده سپاه محمد رسول الله:

ایران در جنگ ۱۲ روزه ناتو را شکست داد

رژیم‌صهیونیستی در پرستگاه نابودی است و هر کاری را برای بقای خود انجام می‌دهد و این در حالی است که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران کل ناتو را شکست دادند.

به گزارش سپاهنیوز، سردار سرتیپ پاسدار «حسن حسن‌زاده» فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران بزرگ در یادواره شهدای زرهی استان تهران گفت: ما عهد کردیم که پای جهاد و مقابله با استکبار جهانی باشیم. بخشی از رزمندگان در دوران دفاع هشت ساله به شهادت رسیدند و بخشی هم در دفاع از کشور در جنگ ۱۲ روزه به شهادت رسیدند و راه مقاومت همچنان ادامه دارد. فلسفه یادواره شهدای این است که ما در عهد و پیمان با شهدا هستیم، همچنین ما در مسیر مقاومت و ایستادگی در مقابله با استکبار جهانی ایستاده‌ایم.

فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه ما این جنگ تمدن‌ها بین تمدن اسلامی و تمدن غربی شکل گرفته است، یادآور شد: امروز در یک روند مقابله و مبارزه با دشمن استکباری هستیم که در این مقابله یک جنگ ترکیبی همه‌جانبه شکل گرفته است. فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران بزرگ با بیان اینکه دشمن یک نبرد ترکیبی تمام‌عیار را علیه ما به راه انداخته است، اما ما جانانه و فعالانه دفاع کردیم، تصریح کرد: ما در عرصه‌های مختلف از جمله عرصه اطلاعاتی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با دشمن در حال مبارزه هستیم. حسن‌زاده با تأکید بر اینکه امریکا قادر به افتادن ایران عصبانی است، ادامه داد: رژیم‌صهیونیستی نیز در پرستگاه نابودی است و هر کاری را برای بقای خود انجام می‌دهد. حسن‌زاده با اشاره به لزوم تبیین نقاط قوت و ایجاد امید در جامعه ادامه داد: تمام غرب جبهه‌ای یکپارچه را علیه ایران تشکیل دادند، اما تاکنون راه به جایی نبرده‌اند، همانطور که در جنگ هشت ساله هم شاهد بودیم که جبهه استکبار راه به جایی نبرد. دشمنان به دنبال نابودی انقلاب اسلامی هستند، همانطور که در جنگ ۱۲ روزه ما شاهد بودیم و در این جنگ ما در مقابل امریکا، رژیم صهیونی و کل ناتو ایستادیم، ما در حقیقت کل ناتو را شکست دادیم و این بی‌نظیر است.

فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران با تأکید بر اینکه رژیم‌صهیونیستی و همه‌پیمانانش با یک اشتباه محاسباتی وارد جنگ با ایران شدند، گفت: آنها فکر می‌کردند با ترومارهای کور و حمله به شهرها و سکوها ی‌موشکی می‌توانند سقوط نظام را رقم بزنند، اما اینگونه نشد، برای مثال در یکی از شهرهای موشکی هفت در ورودی و خروجی را هدف قرار دادند، اما از روز پنجم جنگ ۱۲ روزه از همان شهر موشکی، به سرزمین‌های اشغالی شلیک موشک‌ا سر گرفته شد.

وی خاطر نشان کرد: در اولین روز جنگ ۱۲ روزه ۱۵۰ موشک و ۳۵۰ پهپاد شلیک کردیم و این بی‌نظیر بوده است. فرمانده سپاه محمد رسول‌الله با تأکید بر اینکه شلیک ۵۵۰ موشک دشمن را وادار به تسلیم کرد، گفت: ما هر چه پیش می‌رفتیم تعداد کم شلیک می‌کردیم و همه هدف می‌خوردند، همچنین همه دیدند که بدافند یکپارچه جهانی رژیم صهیونی شکست خورده است. هنوز بسیاری از توانایی‌های مان را نشان نداده‌ایم و وضعیت امروز ما اوایل جنگ ۱۲ روزه به مراتب بهتر است.

فرمانده سپاه تهران تأکید کرد: بخش عمده‌ای از توانمندی‌های ما هنوز دشمنان ندیده‌اند و به همین توانمندی بخش دیگری اضافه کرده‌ایم. آنها به خوبی از این موضوع آگاه هستند، اگر ضعیف بودیم، حتماً حمله مجددی را طراحی می‌کردند.

سر مقاله شماره ۱۳۸ خود نوشته است:

در مواجهه با این تجربه تاریخی باید پرسید که ارزش انسان در این منظومه چگونه تعریف می‌شود؛ آیا کرامت و اخلاق محور قرار دارند یا سود و قدرت؟ فردگرایی افراطی و مادی‌گرایی، انسان را به ابزار تولید و افزایش سرمایه تنزل می‌دهد و هر کس یا هر ملتی که در این چرخه سودآور نباشد، به‌سادگی حذف یا به حاشیه رانده می‌شود.

این منطق سرمایه‌سالاری، نه تنها اقتصاد که سیاست و فرهنگ را نیز زیرآزمند می‌کرده است؛ کالاهای رسانه‌ها و حتی گفتمان حقوق بشر کالاهایی‌اند که در خدمت تثبیت منافع قری می‌گیرند و با ظاهری اخلاقی، بی‌عدالتی را پنهان می‌سازند.

حضور رژیم‌صهیونیستی در مرکز منافع غربی در منطقه غرب آسیا را باید در همین چارچوب دید؛ زاینطه‌ای که بیش از آنکه صرفاً سیاسی باشد، اقتصادی و راهبردی است و برای حفظ جریان انرژی، منافع تجاری و موقعیت ژئوپلیتیک به‌شدت حیاتی است. لذا وقتی ساختارهای قدرت غربی در مقابل واکنش‌های انسانی نسبت به کشتار اندیشه‌سکوت می‌کنند یا آن را توجیه می‌سازند، باید فهمید که اخلاقیات جایگاه دوم را یافته و منافع اولویت را تعیین می‌کنند. این همان منطق سرد قدرت است که در قرن بیستم‌ویکم نیز با چهره‌ای مدرن ادامه یافته و امروز در قالب سیاست‌های دوگانه، رسانه‌های کنترل‌شده و نهادهای امنیتی‌المللی گزینشی بازتولید می‌شود.

نمونه‌های عینی این تناقض‌ها در دهه‌های اخیر متعدد بوده است؛ از جمله‌ها و مداخلات نظامی تا حمایت بی‌قید و شرط از متحدانی که در منطق قدرت جنگ‌های استانی سنگینی را رقم زد زده‌اند.

شاهد دوم، عریان‌ترین نمایش از تداوم همان الگوست: ویترنی از ارزش‌های انسانی و پشت‌صحنه‌ای از محاسبات منافع.

همزمان، تحولات جهانی نشان می‌دهد که دوران تک‌صدایی غرب به پایان رسیده، خودباز یگران اروپایی و نخبگان‌شان به کاستی توان الگوسازی و فقدان مشروعیت در هنگی اذعان کرده‌اند و نظم بین‌الملل غربی مدتی سازنده هر چه بوده است، از این منظر، آینده نه متعلق به منطق

در چنین شرایطی، کشورهایی که به میراث فرهنگی و هویت تمدنی خود باور دارند، می‌توانند از موضع انفعال خارج شده و در طراحی نظم جدید جهانی نقش آفرینی کنند. این تغییر ساختاری فرصتی است برای کشورهای صاحب تمدن‌های دیگر، به‌ویژه تمدن اسلامی و تجربه تاریخی ایران تا نسخه‌ای متفاوت از توسعه و پیشرفت را پیشنهاد کنند؛ نسخه‌ای که اساسش بر کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و استقلال فکری استوار باشد. بازخوانی تاریخ نشان می‌دهد که پیوند میان دین، فرهنگ و عقلایت در تمدن اسلامی و ایرانی، بستری برای تولید دانش، هنر و عدالت فراهم آورده که می‌تواند در مواجهه با سلطه‌گری غربی مدلی سازنده هر چه بوده است، از این منظر، آینده نه متعلق به منطق سلطه، بلکه به منطق آگاهی، همبستگی و عدالت است. به این ترتیب وظیفه روشنگری و نقد سازنده آن است که ویترن پرآب‌وتاب غرب را کنار دهد و ریشه‌های فکری و عقلی آن را افشا کند تا مخاطبان بفهمند شعارهای چندر بار تکرار شده فاصله دارند. این امر نیازمند تلازم است که خود را در زمینه دانش و فناوری تقویت کنیم تا وابستگی‌ها کاهش یابد، قدرت تصمیم‌گیری ملی حفظ شود و صدای استقلال در میان غوغای تبلیغاتی جهان رسا بماند.